



دوره هفتم / سال اول / شماره ۵۲
پنجشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۶۴
بهاء ۲۰ ریال

وحدتی که خمینی هوادارانست

بند و بست چند تن ناسازگار
چیست دانی دولتی ناپایدار

قشری ترین بخش های روحانیت حاکم و همچنین نهادهای سرکوبگر رژیم، در قبال مقاومت و مبارزه نیروهای ضد رژیم است. خمینی که نزدیکی خطر را حس میکند، می کوشد که صف هواداران خود را بیاراید و آنها را در یک آرایش متحد، به میدان مبارزه بکشاند. ولی آیا وحدت مورد علاقه خمینی قابل حصول است؟ علاوه بر آن ماهیت آن چیست؟

وحدتی که خمینی می خواهد وحدت میان تبهکارانی است که با زور و تزویر و با قتل عام دهها هزار نفر از بهترین فرزندان کشور ما حکومت خود را مستقر ساخته اند و بنام دفاع از اسلام میهن ما را صدها سال به عقب برده اند.

بقیه در صفحه ۶

خمینی به "وحدت" علاقه وافراد دارد، بویژه به وحدت "ائمه" جمعه و جماعات و "علمای بلاد" و سرکردگان نهادهای "انقلابی". یعنی آنها که پایه های رژیم او را بردوش دارند. او اخیراً در نطقی گفت: "... امروز همه با ما مخالفند، ما خودمان باید وحدتیمان را حفظ کنیم، هر چه آنها (دشمنان) خلاف کنند ما باید وحدتیمان قوی تر باشد، هر چه تبلیغات آنها زیادتر باشد، ما باید وحدتیمان زیادتر بشود". ببینیم مقصود خمینی از وحدت چیست. چه کسانی، به چه منظور و در قبال چه کسانی باید متحد شوند. وحدت، فی نفسه، بدون توجه به محتوی و هدف آن، فاقد مفهوم است. وحدتی که خمینی میخواهد، وحدت عقب مانده ترین، ارتجاعی ترین و

وظائف توده ایها برای خنثی کردن توطئه های گوناگون

در این اواخر حمله به حزب توده ایران از راست و "چپ" و نیز توسط مزدگان نهضت کمونیستی و کارگری کشور ما، شدت و حدت بیشتری یافته است. البته این پدیده ای غیر منتظره نبوده و نیست. پس از یورشهای وحشیانه اول و دوم رژیم جنایتکار خمینی به حزب پر افتخار ما، دشمنان طبقاتی تصور می کردند، حزب توده ایران قادر نخواهد شد درفش ظفر نمون خود را به این زودیها به اهتزاز در آورد. در واقع نیز ضربه ای که به حزب ما وارد آمد، در تاریخ ۴۲ ساله آن، بیسابقه بود. به جرئت میتوان گفت کمتر سازمان و حزبی میتوانست پس از این ضربات سهمگین بزودی قد علم کند. ولی این امر نمیتوانست شامل اعضا و هواداران حزب توده ایران باشد. تاریخ دشوار و خونین حزب ما انباشته از فداکاریهای بیسابقه اعضا و هواداران حزب است. این بار نیز فداکاری و از جان گذشتگی قهرمانان توده ای ما همه محاسبات دشمنان ما را بهم ریخت. حزب توانست با سرعت خارق العاده ای سازمانهای از هم پاشیده خود احیاء کند، ارگانهای تبلیغی و ترویجی را از سوسازمان دهد و بالاخره با در نظر گرفتن شرایط خاص کشور، خط مشی سیاسی خود را تنظیم کرده و در راه اجرای آن گام در عرصه مبارزه بگذارد.

این کار عظیم ثمره فعالیت شبانه روزی صدها نفر از کادرهای حزبی و مجموعه اعضا و هواداران حزب ما است. آنها که امروز اداره سازمانهای بقیه در صفحه ۲

فعالیت رزمجویانه سازمان های اجتماعیون - عامیون و حزب عدالت تا آستانه تشکیل حزب کمونیست ایران (۲)

در کارزار همبستگی جهانی با خلق ترکیه به خاطر پایان بخشیدن به ترور و سرکوب شرکت کنیم!
در صفحه ۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

خطر مرگ جان زندانیان توده ای را تهدید می کند

اجتماعی و صلح، همچنین پشتیبانی از منافع زحمتکشان صادر کرده است. همزمان با افزایش فشار و تضيیقات در داخل زندانها، ارگانهای سرکوبگر به بهانه های واهی گوناگون، مردم عادی را که اکثریت آنها در زمره زحمتکشان کشورند، بیش از پیش مورد تعدی و ستم قرار داده اند. توده های محروم که از جمله خواهان پایان جنگ هستند و گناهی جز اعتراض به سیاست ضد مردمی رژیم ندارند، در معرض تهاجم دائمی اوباشان و چماقداران حرفه ای هستند. در هفته های اخیر دهها نفر از زحمتکشان در جریان تظاهرات ضد رژیم در تهران و شهرستانها کشته و زخمی شده اند و بنا به اعتراف مقامات رسمی، بالغ بر چند هزار نفر از آنجمله اعضا، حزب توده ایران و دیگر سازمانهای انقلابی و دمکراتیک در سطح کشور دستگیر و روانه سیاهچالها و شکنجه گاهها شده اند.

رژیم، برای حفظ پایه های متزلزل نظامی که مظهر دیکتاتوری و استبداد قرون وسطایی است، می کوشد تا با ایجاد جو رعب و وحشت بیشتر در سطح جامعه و تهدید مردم به مرگ عزیزانشان در شکنجه گاهها، آنها را وادار به تسلیم سازد. کمیته مرکزی حزب توده ایران، از همه آزادیخواهان، همه شخصیت های دمکرات در ایران و جهان از سازمان ملل متحد، از انجمن حقوق دانان دمکرات و سازمان دفاع از حقوق بشر می طلبد که برای نجات جان توده ای های دربند همه کوشش خود را بکار گیرند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۵ خرداد ۱۳۶۴

در شرایطی که جامعه بحران زده ما با مشکلات عظیم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روبرو است، سران رژیم برای ایجاد انحراف در افکار عمومی، بار دیگر به حربه کثیف توده ای ستیزی متوسل شده اند. خطر مرگ جان دهها نفر توده ای را تهدید می کند.

اخبار رسیده از زندانها بشدت نگرانی آور است. توده ای های دربند در سخت ترین شرایط ممکن بسر می برند. بر خوردهای حاکمان "شرع" و دیگر شکنجه گران و عوامل سرکوب با آنها به مراتب خشن تر و حیوانی تر شده است. دامنه تضيیقات و فشارهای جسمی و روانی افزایش یافته و هر روز حکم "تعزیر" و شکنجه صدها نفر توده ای رسماً صادر می شود. بسیاری از رفقای ما دیگر بار به سلولهای انفرادی منتقل شده اند. سلامت جسمی اغلب توده ای ها در معرض خطر جدی است. هدف رژیم از به کار گیری این شیوه های ضد بشری ایجاد شرایط برای نابودی تدریجی توده ای های دربند است. بر اساس خبرهای موق، برخی از رفقای ما در شکنجه گاهها بقتل رسیده اند و تعدادی از آنها نیز پس از انتقال به بیمارستان زندان جان سپرده اند.

ارگانهای سرکوبگر برای پرده پوشی جنایاتی که در درون سیاهچالها می گذرد، مانع ارتباط آنها با خانواده هایشان می شوند. هم اکنون ارتباط اکثر خانواده های توده ای با عزیزان و چکرگوشکانشان بطور کلی قطع شده است. محاکمات پشت پرده کماکان جریان دارد و رژیم ارتجاعی حکم محکومیت صدها نفر توده ای را به "جرم" دفاع از آزادی، استقلال، عدالت

بررسی طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی

در صفحه ۵
نخستین دور گفتگوها در زوجه جیری رانشان داد
در صفحه ۸

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

وظائف توده ایها برای خنثی کردن توطئه های گوناگون

بقیه از صفحه ۱
حزبی و ارگانهای تبلیغی و ترویجی حزب را بدست گرفته اند، آنها که در داخل کشور در سخت ترین شرایط، زیر ضربات رژیم ج.ا. با کثثیر "نامه مردم"، پخش تراکت و تبلیغات شفاهی و روشنگری، شعارها و برنامه های حزب را به میان توده های مردم بردند، آنها که باز در شرایط شوار خارج از کشور برای افشاء رژیم جنایت پیشه "ولایت فقیه" پیکار می کنند، آنها که توطئه های مرئی و نامرئی دشمنان طبقاتی و عناصر مشکوک را خنثی می کنند، با فعالیت خستگی ناپذیر خود درفش خونین کاوه را که سمبل حزب ما است در دست دارند.

چنین است آن عامل عمده ای که خشم و کین حیوانی دشمنان سوگند خورده ما را برانگیخته است. انگیزه یورش سوم به حزب توده ایران را نیز در همینجا باید جستجو کرد. آنچه در این مرحله جلب نظر می کند، اتحاد نامقدس همه نیروهای ضد توده ای در جبهه واحد با سران جنایتکار ج.ا. است. و این نشانه بارز پیروزی ما در این مرحله نخست از مبارزه است.

عامل اصلی موفقیت توده ای ها در این نبرد نابرابر، کاربست درست ایدئولوژی شکست ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم است. از یک حزب پرولتری که صادقانه مدافع سرسخت و پیگیر منافع حیاتی و خواستهای مشروع طبقه کارگر، همه زحمتکشان و تمامی خلق است، از یک حزب مارکسیستی - لنینیستی با یک سازمان منسجم دارای وحدت اندیشه و عمل، وحدت اراده و پیوند نزدیک با توده ها جز این هم نباید انتظاری داشت.

حزب ما مسلح به علم انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و وارث ۶۵ سال تجربه غنی نهضت کمونیستی و کارگری است. راهی که نهضت کمونیستی و کارگری میهن ما و از آنجمله حزب توده ایران طی این سالها پیموده است هیچگاه هموار نبوده است. آنچه مسلم است حزب ما دو وظیفه استراتژیک مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم و استعمار و مبارزه در راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی را در عین حال انجام داده و می دهد. مبارزه در راه آزادی و استقلال در هماهنگی نزدیک با پیکار ضد امپریالیستی انجام می گیرد و در خدمت آن است. این دو وظیفه استراتژیک امروز هم مانند دیروز در مقابل ما است. توده ای ها همیشه بدون ریا با در نظر گرفتن واقعیت برنامه آینده خود را پی ریزی می کنند. در این زمینه ما به تجارب گذشته اعم از دستاوردها و نواقص خود اهمیت فوق العاده ای قائلیم. ما از گذشته برای آینده پند می گیریم.

حزب ما، در عین حال، اهمیت زیادی به مطالعه و بررسی تجارب انقلابی احزاب برادر می دهد. اگر ما بخواهیم به وظایف خود در داخل کشور عمل کنیم، نمی توانیم این تجربیات غنی را نادیده بگیریم.

روشن است که بهره گیری از تجربیات دیگر احزاب برادر به معنی نسخه برداری از آنها

برای جامعه ما نیست. مانده ای ما همیشه شرایط مشخص تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، سنتی و ملی جامعه ایران را در تعیین خط مشی سیاسی خود در درجه اول مورد نظر قرار می دهیم. بدیگر سخن مارکسیسم - لنینیسم و قانونمندی های عام آن و نیز تجربه احزاب برادر را در مورد انقلاب دمکراتیک ملی و نیز دستیابی به هدف غایی، بطور خلاق مورد استفاده قرار می دهیم.

وظایف کنونی ما بس دشوار و بغرنج است. از یکسو حزب ما باید انواع توطئه های "چپ" و راست را که هدف از آنها رسوخ دادن انواع نظرات انحرافی به درون حزب است، خنثی سازد و از سوی دیگر سیاست و شعارها و برنامه های دقیق خود را برای به پایان رساندن انقلاب دمکراتیک ملی تکمیل کند. حزب باید به مطالعات خود در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ادامه دهد تا بتواند خط مشی سیاسی خود را بسط داده و مشخص تر کند.

خط مشی سیاسی و برنامه ای که در بیانیه مشترک عرضه شده است، نشانگر آن است که حزب ما مسیر درستی را انتخاب کرده است. ولی ماتریالیسم تاریخی به ما می آموزد که هیچگاه نباید به درک کنونی از پدیده ها و رویدادها بسنده کرد. رویدادهای جامعه ما برخلاف گذشته با سرعت در حال تغییر و تبدیل است. از این رو تحلیل مداوم شرایط کشور و تعیین شعارها برای هر لحظه معین، از وظایف روزمره ما است. ما باید مستمراد فکر آینده باشیم و روندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور و نیز تجارب مبارزه توده های میلیونی زحمتکشان را مد نظر قرار دهیم، نواقص کار خودمان را پیدا کنیم، نتایج بدست آمده را تعمیم تلوریک دهیم و بدینسان خط مشی سیاسی حزب را غنی تر و کامل تر کرده به میان توده های زحمتکش ببریم. این نیز بدون شرکت فرد - فرد اعضاء و هواداران حزب، بدون ابتکار آنها بدون تقویت رهبری حزب امکان پذیر نخواهد بود.

ما باید در تعیین خط مشی سیاسی و برنامه های عمل حزب، قوانین تکامل را مورد نظر قرار دهیم. برخورد ما به مرحله دمکراتیک ملی انقلاب، در انطباق با این قوانین است، لنین در حالیکه روی نقش عوامل ذهنی تاکید می کرد، به احزاب کمونیست یادآور می شد که سیاست خود را هیچگاه بر آرزوهای مشتاقانه استوار نسازند و هیچگاه عواطف خود را بعنوان نقطه حرکت برای استراتژی و تاکتیک های انقلابی قرار ندهند.

بیانیه مشترک، سرنگون کردن رژیم ج.ا. را وظیفه مبرم ما در حال حاضر تعیین کرده است. وظایفی که در این زمینه به عهده ما اعضاء و هواداران حزب قرار گرفته است، در درجه اول عبارتند از:

۱- کوشش برای هرچه متشکل شدن طبقه کارگر به مثابه محور اصلی و تضمین کننده تحولات بنیادین آتی در جامعه، گردهم آوری نیروهای عظیم

دهقانان و تامین اتحاد میان کارگران و دهقانان،

۲- ایجاد جبهه متحد خلق با شرکت همه نیروهای انقلابی و عناصر میهن پرست و مترقی که اتحاد کارگران و دهقانان هسته مرکزی آنرا تشکیل می دهد؛

۳- استفاده ماهرانه از تضادهای داخلی برای ایجاد تفرقه در صفوف دشمن، منزوی کردن عناصر متزلزل بقصد منفرد ساختن دشمنان خلق و تامین پیشروی روند انقلابی، در عین ادامه مبارزه آشتی ناپذیر با کلیت رژیم ج.ا.؛

۴- بهره گیری انعطاف پذیر و دقیق از شیوه های انقلابی مبارزه، استفاده از کلیه اشکال سازمان یافتگی پیکار، متناسب با هر لحظه، در آمیزی شیوه های مسالمت آمیز مبارزه با اشکال غیر مسالمت آمیز، یعنی مبارزه مسلحانه در شرایط ضرور.

حزب ما همیشه کوشیده است و در آینده نیز خواهد کوشید تا همبستگی بین المللی را بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری مستحکم سازد. زیرا مارکسیسم - لنینیسم انقلابی ترین جهان بینی و یگانه جهان بینی عملی است. در صورت انطباق خلاق آن با شرایط کشور خود، میتوان مسائل انقلاب را حل کرد و خط مشی و شیوه انقلابی صحیح را تدوین کرده و بکار بست. در این زمینه باید علیه رفرمیسم بورژوازی، گرایشهای کوتاه بینانه ملی گرایی خرده بورژوازی و نیز علیه ادعای دایر برتر "فوق طبقاتی بودن" آن مبارزه کنیم، تحریکات و خرابکاری های دشمنان و نیز واژدگان نهضت کمونیستی و کارگری را نقش بر آب سازیم، بر تزلزل سیاست انحرافات راست و "چپ" غالب آیینم، تحریف کنندگان ماهیت انترناسیونالیسم پرولتری را افشاء کنیم.

در دوران معاصر، انترناسیونالیسم پرولتری به مثابه نیروی دارای اهمیت جهانی، درسیمای فعالیت بین المللی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و وحدت احزاب مارکسیستی - لنینیستی و مبارزه مشترک آنها در راه اهداف مشترک و علیه دشمن مشترک تظاهر می کند. انترناسیونالیسم پرولتری در تحکیم همبستگی و اتحاد میان نیروهای ضد امپریالیستی معاصر نقش بسزایی دارد. هر تعبیر دیگری از انترناسیونالیسم پرولتری فقط خصلت خرابکاری دارد.

ما مسیر حرکت به پیش را به درستی تعیین کرده ایم. اگر چه این امر اهمیت تعیین کننده دارد، ولی کافی نیست. ما باید همه نیروهای خود را برای سازماندهی در جامعه بکار گیریم. وقت آن رسیده است که کار مخفی را هرچه بیشتر با کار علنی تلفیق کنیم. شرایط لازم در جامعه برای اجرای این کار کاملاً فراهم است. باید تمام امکانات بزرگ و کوچک انقلابی را در این راه بسیج کرد. باید از متنوع ترین اشکال تبلیغ و ترویج و سازماندهی و مبارزه با توجه به تناسب نیروها در جامعه، ماهرانه استفاده کرد. تردیدی نیست که پیروزی از آن زحمتکشان خواهد بود

به مناسبت شصت و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایران

فعالیت رزمجویانه سازمان های اجتماعیون - عامیون و حزب "عدالت" تا آستانه تشکیل

حزب کمونیست ایران (۲)

در روند فعالیت و مبارزه اجتماعیون - عامیون (سوسیال دمکراسی) از بین سازمانها و تشکل هایی که تا آستانه استبداد صغیر (۱۲۸۷) برپاگردید، فعالیت های درخشان سازمانهای مشهد، تبریز، قزوین و خوی برگهای زرینی به دفتر تاریخ جنبش انقلابی میهن ما افزود. برای نحوه، سازمان اجتماعیون - عامیون خوی که بدست میرزا جعفر زنجانی پی ریزی شد، در افشای سیمای استبداد حاکم و فساد دربار نقش شایسته ای ایفا نمود.

در دوران استبداد صغیر، به منظور از سرگیری و ادامه مبارزه، در برخی از شهرها، از جمله در رشت، انزلی، زنجان، اردبیل، ارومیه و سلماس سازمانها و گروههای اجتماعیون - عامیون تشکیل شد.

مهاجران ایرانی مقیم آذربایجان، گرجستان، ارمنستان و دیگر نقاط قفقاز هم محافل و گروههای سوسیال دمکرات (اجتماعیون - عامیون) بوجود آوردند. این سازمانها بدست کارگران و روشنفکرانی بنیان گذارده شدند که در صنایع و معادن و ترابری با انقلابیون روس کار می کردند و از نزدیک در مبارزات آنها شرکت جستند. واقعیت این است که کارگران و روشنفکران ایران در کوران مبارزات جاری در نواحی قفقاز، درسهای سیاسی و ایدئولوژیک بزرگی می آموختند. جمعیت "همت" در سازماندهی مبارزات کارگری، در سطح گسترده ای شرکت می کرد. جمعیت "همت"، "سازمان اجتماعیون - عامیون (مجاهد)" را تشکیل داد تا با تمام توان به انقلاب ایران یاری رساند. در این راه، ایرانیان مقیم قفقاز بویژه در زمینه تامین و ارسال جنگ افزار، پول و اعزام انقلابیون برای پیوستن به رزمندگان داخل کشور کمکهای همه جانبه ای کردند. در کار برپایی سازمانهای اجتماعیون - عامیون باکو و تغلیس، از بین انقلابیون ایرانی، از جمله میتوان از رضایوف های تبریزی، عسگر زاده تبریزی، آخوندوف اردبیلی، رضا خان قره داغلی، غفار میانالی، برادران آقایی و از انقلابیون قفقاز نریمان نریمانف، عزیز بیگوف، قاسوف، جمال بیگوف، شیخوف، یوزف باشی اف، محیر حیدرزاده از گرگی ها اورژنیکیدزه، چاپاریدزه، ولادیمیر دومبازده یاد کرد.

سازمانهای اجتماعیون - عامیون داخل با هیباری بی دریغ سازمانهای خارج از کشور بگونه ای فعال در انقلاب مشروطیت شرکت داشتند و در برخی نقاط آذربایجان رهبری می کردند. انقلابیونی که در صحنه ها و سنگرهای اصلی پیکار حاضر بودند، سهم بزرگ و بسزایی در افشاندن بذر اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم داشتند. شعار "پرولتاریای سراسر جهان متحد شوید!" یعنی شعار سترگ انترناسیونالیستی همه کمونیست ها را، سازمان اجتماعیون - عامیون تبریز، برای نخستین بار در سال ۱۲۸۵ (۱۹۰۶) در

بیانیهای خطاب به انقلابیون تهران، اعلام داشت: ترجمه فارسی "مانیفست حزب کمونیست" (مارکس و انگلس) نیز در سال ۱۲۸۸ (۱۹۰۹) زیر نظر انقلابی نامدار گرگی، سرگئی اورژنیکیدزه در انزلی آغاز شد.

سازمانهای اجتماعیون - عامیون ایران، اگر چه از نظر درک ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم و کاربست خلاق آن از پختگی کامل برخوردار نبودند، با این وجود، انقلابیون آزموده و بیگری که در رده های این سازمانها پرورش یافتند، تا سطح بنیانگذاران حزب کمونیست ایران ارتقاء پیدا کردند.

پس از آنکه با دخالت نیروهای تجاوزکار روسیه تزاری و انگلیس، شراره های انقلاب مشروطیت در خون فرو نشست، دیگر بار بساط اختناق و آزادی کشتی گشوده شد. نیروهای واپسگرا که توش و توان تازه ای یافته بودند، مجلس شورای ملی را تعطیل کردند، فعالیت احزاب و جمعیت های سیاسی را متوقف ساختند و جلوی انتشار مطبوعات مترقی و آزادیخواه را گرفتند. در سراسر کشور هواخواهان استبداد کهن سر برداشتند.

در سال ۱۹۱۴ جنگ اول جهانی آغاز شد. خاک ایران، علیرغم اعلام بیطرفی رسمی دولت، به صحنه تاخت و تاز نظامی دول انگلیس، روسیه تزاری، آلمان و ترکیه تبدیل گردید. در بیشتر نقاط کشور آتش قیام مسلحانه علیه اشغالگران بیگانه فروزان شد. نیروهای میهن دوست، سازمانها و احزاب خرده بورژوازی امکان فعالیت یافتند. مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی و فلاکت و سیه روزی ناشی از جنگ، اوج گرفت. در همین زمان، در باکو تظاهرات و اعتراضات وسیع ضد جنگ با شرکت کارگران ایرانی شاغل در مراکز صنعتی این شهر سازمان داده می شد. در سالهای جنگ سررشته رهبری و سازماندهی گردهمایی ها و تظاهرات کارگران ایرانی مقیم باکو، در دست گروه کوچکی بود که در راس آن، انقلابیون برجسته ای مانند اسدالله غفارزاده، بهرام آقایی، احمد امیرف قرار داشتند. کارگران و زحمتکشان ایرانی در باکو تلاش می ورزیدند، حزب سیاسی خود را بوجود آوردند. تنها زمانی شرایط و امکان بنیانگذاری حزب سیاسی بیانگر منافع زحمتکشان برای آنها فراهم گردید که انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در روسیه به پیروزی رسید و تزاریم از اریکه قدرت به زیر کشیده شد.

تشکیل حزب عدالت ایران

در اردیبهشت ماه ۱۲۹۶ (ماه مه ۱۹۱۷) نخستین حزب کارگران ایران با ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم تشکیل شد. مجمع عمومی، حزب راه

حزب سوسیال دمکراسی (اجتماعیون عامیون) ایرانیان - عدالت نام نهاد. از بین اعضای هیئت بنیانگذار حزب "عدالت"، اسدالله غفارزاده، میرزا قوام اردبیلی، محرم آقایی، بهرام آقایی، می زاده، ملا بابا، رستم کریم زاده، صدزاده، قاسم پیغمبر، مهدی آقاویری، قاراداداش، سیف الله ابراهیم زاده، آقابابا یوسف زاده، محمد فتح الله اوغلی، حسین خان طالب زاده، میر مقصود لطفی، و محمد علی خانفیع بعنوان اعضای کمیته مرکزی برگزیده شدند. برنامه و اساسنامه حزب "عدالت" در ۱۶ فصل به زبان آذری و فارسی تنظیم گردید و به شکل جزوه کوچکی منتشر شد.

در پیشگفتار برنامه آمده است: "خیر بر شر چیره گشت"، دوران عدالت آغاز شد. حزب "عدالت" ایران بنا بر خاستگاه طبقاتی اش، زحمتکشان را به زیر درفش خود فرامی خواند و با بانگی رسا اعلام می دارد: "پرولتاریای سراسر جهان، پرولتاریا و زحمتکشان ایران متحد شوید!"

حزب دارای دواگان چاپی بود: "مجله" بیرق عدالت و روزنامه "حریت". در مقدمه به چاپ رسیده در روزنامه "حریت" خصوصیات این حزب بعنوان یک حزب پرولتری انترناسیونالیستی ذکر کرده شده است که حزب "عدالت" حزب کارگران و دهقانان است، ولی در رده های آن دیگر قشرها نیز می توانند جای گیرند. حزب "عدالت" حزبی است که بخاطر بهروزی همه زحمتکشان جهان و خدمت به همه بشریت تشکیل شده است و در راه تبلیغ اندیشه های سوسیال دمکراسی و برقراری مالکیت عمومی بر وسایل تولید پیکار می کند. انتشار مجله "بیرق عدالت" به سردبیری اسدالله غفارزاده، دبیر اول حزب، یک ماه پس از بنیانگذاری حزب آغاز شد.

ولی دیری نپایید که در نتیجه دخالت های مسلحانه دولتهای امپریالیستی دامنه فعالیت حزب "عدالت" نیز تا اندازه ای محدود گردید. اجتماعیون - عامیون ("عدالت" و "همت") در شرایط دشوار زیر زمینی به مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه دادند و هنگامی که خطر اشغال باکو بگونه ای جدی چهره نمای کرد، کنفرانس انقلابیون ایران در تیرماه ۱۲۹۸ (۱۷ ژوئیه ۱۹۱۸) برگزار می شد برپایه قطعنامه این کنفرانس، دو حزب "عدالت" و "همت" طی اعلامیه مشترکی همه اعضای خود را برای دفاع از انقلاب به خدمت در ارتش فراخواندند.

پس از اشغال باکو توسط انگلیسی ها (اوت ۱۹۱۸) نخستین کمیته حزب "عدالت" (شهریور ۱۲۹۷) منحل گردید. اما فعالیت حزب همچنان ادامه یافت. در اسفندماه ۱۲۹۷ (ماه مارس ۱۹۱۹) دومین کمیته "عدالت" تشکیل شد. حزب انتشار دو روزنامه زیر زمینی خود، به نامهای "حریت" و "یولداش" به زبانهای فارسی و آذری را آغاز بقیه در صفحه ۷

بررسی طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی

مجلس شورای اسلامی ۵ سال پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی شورای انقلاب سرانجام هفته گذشته قانونی را تحت عنوان "طرح قانونی احیاء و واگذاری اراضی مزروعی" با حضور و شرکت منظم نمایندگان شورای نگهبان از تصویب گذرانید. براساس این مصوبه، زمینهای متصرفه از طرف دهقانان در سالهای ۵۸ و ۵۹ که بالغ بر ۸۰۰ هزار هکتار می‌شود، در ازاء پرداخت بهای زمین به مالکین به متصرفین واگذار میشود. در کردستان، کلیه زمینهایی که تا آخر سال ۶۲ به نحوی به تصرف دهقانان درآمده است مشمول این قانون می‌گردد.

هدف رژیم از تدوین و تصویب این طرح که همگان، از شورای نگهبان گرفته تا نمایندگان سرمایه‌داران و علمای اعلام در مجلس روی آن وحدت نظر دارند چیست؟

بررسی اجسامی طرح را از عنوان آن آغاز می‌کنیم:

از اجرای دو بند اصلی مصوبه هشتم اسفندماه سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب، زیر عنوان قانون اصلاحات ارضی، یعنی بندهای "ج" و "د" که طبق آن می‌بایست زمینهای بایر و دایر زمینداران بزرگ بین دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم شود، با فشار زمینداران بزرگ و پشتیبانی روحانیت در آبان ماه سال ۵۸ جلوگیری شد و خمینی خود شخصا فرمان توقف اجرای بند "ج" را صادر کرد.

در اثر فشار نیروهای خواستار حل عادلانه مسئله زمین، مجلس شورای اسلامی دردی ماه ۶۱ طرح جدیدی را با قید بندها و تبصره‌های کثرت و بفتح زمینداران بزرگ تصویب کرد. بدین ترتیب قانون مصوبه شورای انقلاب بکلی مسخ شد. همین لایحه نیم بند و مثله شده نیز با و توی شورای نگهبان و حمایت خمینی، متوقف گردید.

بحث و مجادله برای حل مسئله زمین تا به امروز ادامه یافت و حاصل آن طرح کنونی است. می‌بینیم که حتی عنوان "طرح احیاء و واگذاری اراضی" ماهیتی ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دهقانی در بر دارد. در این قانون که دست یخت وزیر کشاورزی رژیم، زالی و کارشناسان ریش دار و بی ریش، با همفکری شیخ یزدی و آذری قمی است با حيله كری كلمه اصلاحات ارضی حذف شده است. تهیه کنندگان این قانون کوشیده‌اند با قرار دادن بند "ه" بجای بند "ج" سابق، از حدت شعار جا افتاده "بند ج را اجرا کنید" به عنوان شعار اصلی مردم و در نتیجه از عبق و ژرفای معضل ارضی بکاهند.

در عین حال تصویب این قانون به مثابه عقب نشینی رژیم در مقابل دهقانی است که پس از انقلاب زمینهایی را تصرف کرده‌اند و رژیم ولایت فقیه قادر به پس گرفتن آنها نشده است. این قانون دارای ماهیت دوگانه است. از

سویی رژیم با ناتوانی در مقابل جنش و مقاومت مردمی بناگزیبر بر تصرف بخش محدودی از زمینها مهر تأیید زده است، از سوی دیگر با جادادن تبصره های گوناگون سعی می‌کند نظام بزرگ زمینداری و موقوفه خواری را تثبیت و تضمین کند.

اصولا عبارت "احیاء و واگذاری اراضی" در شرایط فعلی ایران که در بیشتر نقاط کشور با کمبود آب و عدم توزیع عادلانه آن، همچنین فرسایش خاک و عدم برنامه ریزی توأم با سرمایه گذاری بنیادی از طرف دولت روبرو هستیم جز فریب مردم چیزی نیست. صحبت دائمی از وجود بیش از ۵۰ هزار هکتار اراضی قابل احیاء در جاهای مختلف نیز مکمل همین مضمون است و ما در آینده به این مسئله مهم در بخشی جداگانه خواهیم پرداخت.

نگاهی گذرا به بندهای مختلف طرح مذکور مسئله را بخوبی روشن می‌کند.

در مبحث تعاریف، با زیرکی حساب روحانیت از حکومت اسلامی که در حال حاضر در تلفیق با یکدیگر نهاد مخوفی را تشکیل می‌دهند جدا شده است. بطوری که ملاحظه می‌شود اراضی موقوفه از اراضی "خالصه" و "دولتی" و "ملی" با وجود اسلامی بودن حکومت، تفکیک شده و تحت عنوان "ردیف ۱۰" در جای جداگانه‌ای قرار گرفته است. بنظر می‌رسد که تعزیه گردانان جمهوری اسلامی خود نیز به دوام حکومت خود باور ندارند و با آینده نگری می‌کوشند تا در آمد روحانیت موقوفه خوار را در صورت از دست دادن قدرت حاکمه تامین کنند.

بند ۵، اراضی موات را تنها در صورت نداشتن مالک، قابل واگذاری می‌داند. به این ترتیب رژیم حتی از واگذاری اراضی موات نیز که مسخ کنندگان لایحه اصلاحات ارضی بر تقسیم آن تکیه می‌کردند طفره رفته است.

همچنین براساس این بند، مراتع کشور که از قبل جزء منابع ملی محسوب می‌شدند، از زمره اراضی دولتی و ملی (مذکور در بندهای ۲ و ۳) خارج شده و در بسیاری موارد به عنوان حریم به اراضی زمینداران بزرگ قابل الحاق و قابل تملک اعلام شده است.

در ماده ۲، هدف از اجرای طرح، نه مسئله ارضی و تقسیم زمینهای تحت تصرف مالکین بزرگ بین دهقانان بی زمین و کم زمین، بلکه بطور مبهمی "بهره گیری از زمین"، "خودکفایی"، "ریشه کن کردن فقر و محرومیت" و "جلوگیری از مهاجرت روستائیان" ذکر شده و از هر نوع صراحت خودداری گردیده است.

تثبیت بزرگ مالکی

طبق ماده ۵، قانون مصوبه مالکیت زمینداران بر کلیه اراضی بایر تضمین و تثبیت شده است.

دولت و هیئت های واگذاری زمین حق هیچ نوع دخل و تصرف در این زمینها را ندارند. بعلاوه دولت مکلف شده است امکانات کشاورزی و وام در اختیار مالکین بگذارد تا زمین خود را بهر مقدار که باشد دایر کنند.

ماده ۶، شامل اراضی بند "ه" همان بند "ج" سابق است. در اصلاحیه شورای نگهبان چنین آمده است که: "اراضی دایری که بنحوی تا سال ۵۹ در سراسر کشور و سال ۱۳۶۰ در کردستان در اختیار غیر مالک قرار گرفته و روی زمین کشت نموده است (کشت موقت) بحکم ضرورت به کشاورزان متصرف که واجد شرایط... باشند واگذار می‌شود".

با این حال پاسداران مالکیت مقدس و نامحدود، ادامه کشت روی همین زمینی را که دهقانان با عرق جبین و گاه با خون خود آبیاری کرده‌اند منوط به پرداخت بهای زمین به غاصبین و غارتگران حقوق زحمتکشان روستایی کرده‌اند.

براساس ماده ۷، این قانون، اراضی دایری که در تاریخ تصویب این قانون در اختیار مالکان است کماکان در تملک آنان باقی خواهد ماند. به این ترتیب رژیم ولایت فقیه بزرگ مالکی و بزرگ زمینداری را بار دیگر تأیید و تثبیت می‌کند، حتی دم از شرعی بودن مالکیت زمینهایی می‌زند که مالکین در اوج بی قانونی‌ها بزور و یا با رشوه و با حمایت نیروهای انتظامی و زنجانیون در دوران رژیم ستشاهی غصب کرده‌اند.

طبق تبصره های ۱ و ۲ و ماده ۷ دامداری های بزرگ که بعضا هزاران هکتار اراضی آبی را دربر می‌گیرد، همچنین اراضی موقوفه و اراضی کشت و صنعت های خصوصی در دست صاحبان آنها یعنی مالکین بزرگ و سرمایه داران بخش کشاورزی و روحانیون ذی نفوذ قرار می‌گیرد. در تصویب نهایی طرح، قلمستانها و باغات نیز به اراضی فوق الذکر افزوده شده است.

این تبصره ها علاوه بر محتوای ضد دهقانی و ارتجاعی خود، موجب نابودی اراضی کشاورزی و کاهش مرکبار تولیدات کشاورزی نیز می‌شود. مالکین با سو استفاده از بندهای فوق الذکر و گرفتن پروانه های دامداری، حتی بصورت صوری و روی کاغذ، ویا کاشتن چند اصله نهال بی ثمر می‌توانند اراضی وسیعی را بدون کشت و کار و فعالیت کشاورزی در تصرف و مالکیت خود نگهدارند و با این پشتوانه از وامهای کلان دولتی و امکانات دیگر استفاده کنند.

ماده ۱۰ طرح، از جمله موزیانه ترین و ارتجاعی ترین مواد این قانون است. طبق فصل ۵ این ماده، تحت عنوان "ضوابط واگذاری" کوشیده شده است تا آنجا که ممکن است حتی در مقابل دریافت بهاء، از واگذاری زمینهایی که تحت تصرف و کشت دهقانان است جلوگیری شود.

بر اساس این ماده، در مناطق مختلف، اول باید زمینهای دولتی و بایر اگر وجود داشته باشد - در اختیار دهقانان قرار گیرد و زمینهای موجود آنان پس گرفته و به مالک برگردانده شود. ولی اگر زمینهای بایر و دولتی و ملی وجود نداشت بقیه در صفحه ۵

پیام همبستگی کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین

کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین با ارسال پیامی، ضمن ابراز همبستگی با حزب توده ایران خواستار آزادی زندانیان سیاسی ایران شد. در این پیام از جمله تصریح شده است:

"کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین به همه خلقهای دوستدار آزادی در سراسر جهان می‌پیوندد و... اعلام می‌دارد که مقامات حاکم ایران را بخاطر سیاست ضد بشری آنها مبنی بر سرکوب سازمانها و شخصیت‌های مترقی محکوم می‌کند و خواستار آزادی بیدرنگ تمام زندانیان سیاسی ایران است."

فلی سیمیوس. ماکاپال

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین



اعتراض نامه

"کنگره سراسری اتحادیه کارگری هند" به مقامات ج.ا.

"کنگره سراسری اتحادیه کارگری هند" ضمن ارسال نامه‌ای به سفارت ایران در هند، مراتب خشم و نگرانی خود را نسبت به ادامه سرکوب تشکل‌های کارگری، احزاب و سازمانهای سیاسی ابراز داشتند. در این نامه از جمله آمده است: "ما بنام اتحادیه‌های کارگری هند، مراتب خشم خود را از ادامه سرکوب سازمانهای توده‌ای، اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی همانند حزب توده ایران که در سرنگونی رژیم شاه و پیروزی انقلاب نقش و شرکت داشته‌اند، ابراز می‌داریم."

در بخش دیگری از نامه می‌خوانیم: "کارگران و اتحادیه‌های کارگری در هند، با نگرانی ژرف، سرکوب غیر انسانی عقاید آزادیخواهانه رادنیال می‌کنند و مصرا خواستار آن هستند که مقامات جمهوری اسلامی ایران تمامی دستگیرشدگان را آزاد کنند."

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

پایان گرفتن آنند و در داخل کشور علیرغم شرایط بسیار دشوار تحمیل شده توسط دو دیکتاتور عراق و ایران، که مسئولیت یکسانی در مورد ادامه جنگ دارند، به نفع صلح مبارزه می‌کنند.

ایالات متحده آمریکا تنها برنده واقعی این درگیری است. امپریالیسم پس از رانده شدن از ایران در جریان آن جنبش وسیع مردمی که امیدهای امروز نقش بر آب شده را به همراه آورده بود، قصد داشت با افروختن آتش جنگ عراق علیه ایران رژیم جدید را سرنگون سازد. این درگیری که دنیای عرب را در ورطه‌ای با تهدیدهای تجاوزکارانه اسرائیل به دو نیم کرده، عامل تشدید فشار در خاور نزدیک و میانه شده و زمینه را برای تقویت مواضع و پایگاههای نظامی و اشکنگن در منطقه خلیج فراهم آورده است.

این جنگ باید پایان یابد. ما در نبردتان برای صلح با شما ابراز همبستگی می‌کنیم و معتقد به حل مسئله از راه مذاکره هستیم.

شورای نگهبان به مجلس در دلایحه.

این بند با سخنان اخیر نایب رئیس مجلس قابل مقایسه است. وی می‌گوید: "چیزی که حرام است مثل خوردن گوشت "میته" در صورتی که اضطرار پیش آید و اگر از آن استفاده نشود خطر بزرگتری را در بر داشته باشد به شرطی که در آن زیاده روی نشود و فقط در "رفع اضطرار" باشد گناهی ندارد" (اطلاعات ۲۰ اردیبهشت ۶۴). نشان می‌دهد که مبارزات حق طلبانه دهقانان در پیوند با اوج گیری جنبش اعتصابی کارگران و تظاهرات توده‌ای ضد جنگ، ارکان رژیم را به لرزه افکنده است. این مسئله "اختلال در نظام است" که با صلاحدید شورای نگهبان و اشارة خیمینی برای جلوگیری از بحران بنیان کن و حفظ رژیم از اختلال سران رژیم را به قول خودشان واداره خوردن گوشت مرده و عقب نشینی در مقابل مردم کرده است.

شمول قانون درباره زمینهایی که تا پایان سال ۶۳ در کردستان به تصرف دهقانان درآمده است، چیزی جز عجز جمهوری اسلامی در مقابل نبرد عادلانه خلق کرد به رهبری حزب دمکرات کردستان نیست. به اعتراف معزی نماینده مجلس، در بحث تصویب طرح "تاکون پای میثت های هفت نفره به این منطقه نرسیده" ولی ۱۲۰۰۰۰ هکتار زمین با نظارت نیروهای انقلابی تقسیم شده است که در مقایسه با سایر نقاط اهمیت ویژه‌ای دارد.

رژیمی که با تکیه بر نیروهای انقلابی توده‌های مردم بقدرت رسید و قدرت خود را در خدمت زالوهای اجتماعی و سرکوب خلق های ایران قرارداد، سرنوشتی جز سرنگونی و سقوط در زباله‌دان تاریخ ندارد.

رفیق ماکسیم گرمتر، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در نامه‌ای به کمیته مرکزی حزب توده ایران بتاريخ ۷ ماه مه ۱۹۸۵ از جمله چنین می‌نویسد:

رفقای عزیز:

بیش از ۴ سال است که مردم ایران و عراق جنگ وحشتناکی را تحمل می‌کنند. شمار قربانیان سر به صدها هزار می‌زند و این درگیری بصورت یکی از خونین ترین جنگ‌ها پس از سال ۱۹۴۵ در آمده است. بمباران شهرها، استفاده از گازهای شیمیایی، رفتار غیرانسانی با اسرای جنگی و بکارگیری نوجوانان در پیکار چهره جنگ را دهشتناک تر، غیرقابل تحمل تر گردانیده است.

حزب کمونیست فرانسه به حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق با دیده احترام می‌نگرد. هر دو حزب این جنگ را افشاء می‌کنند، خواهان

بررسی طرح احیاء...

بقیه از صفحه ۴

آنوقت به واگذاری رسمی زمینهای تحت تصرف دهقانان اقدام می‌گردد.

در اصلاحیه شورای نگهبان، مسئله اولویت بشرح زیر آمده است:

۱- زمینهای مسترد شده به دولت و سایر زمینهای دولتی

۲- زمینهای موات رها شده، منابع طبیعی قابل احیاء.

مجموعاً این قانون قانونی است ارتجاعی و ضد دهقانی. رژیم با تصویب این طرح، مالکیت بزرگ مالکان و زمینداران را تثبیت و راه را برای سرکوب بازهم بیشتر دهقانان مبارز و حق طلب میهن ما هموارتر کرده است.

مسئله بسیاری از مواد و تبصره های این قانون، با مقاومت و مبارزه و پایبندی دهقانان زحمتکش ایران روبرو خواهد شد.

دهقانان زحمتکش بسهولت زمینهای را که سالها روی آن جان کنده و از طریق آن خود و خانواده شان امرار معاش می‌کنند، پس نخواهند داد تا در مقابل، زمینهای موات و رها شده و منابع طبیعی قابل احیاء مورد نظر شورای نگهبان را تحویل گیرند.

دهقانان مبارز ایران دیناری بابت بهای زمینهای خود نخواهند پرداخت.

تصویب این قانون، همانطور که اشاره شد، نشان دهنده عقب نشینی و تسلیم رژیم دیکتاتوری در مقابل مقاومت جانانه دهقانان بی زمین و کم زمین است. شورای نگهبان دو سال پیش در رد قانون اصلاحات ارضی نیم بند مصوبه مجلس نوشت: "از لحاظ اینکه نسبت به بند "د" و "ه" (اراضی با پرو دایر) بر حسب ضرورت فعلی نیست... با موازین شرعی مغایر شناخته شد" (۵ر دی ماه ۱۳۶۱ نامه شماره ۷۳۳ مورخه ۶۱/۱۰/۷۸

مردگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان!

به مامی نویسند

مردم: ما جنگ نمی خواهیم

بدنبال تظاهرات ضد جنگ و ناراضی از رژیم سلامی در کوی ۱۲ آبان، گزوه های رژیم در این محله و خیابانهای اطراف آن عده زیادی را دستگیر کردند. اخبار مربوط به این دستگیری "بلادر" نامه مردم" به چاپ رسید و حتی سخنگویان و بلندگویان رژیم نیز به آن اعتراف کردند. گزارشهای متعددی از تظاهرات مردم بلویه جنگ در گوشه و کنار کشور و یورش بر برمنشانه ارکانهای سرکوبگر به مردم بی دفاع "نامه مردم" رسیده است که قسمت هایی از آن را با هم مرور می کنیم:

شکار در شهر

"شکار تقریباً از ساعت ۶ بعد از ظهر شروع شد و دستگیر شدگان گروه گروه به مراکز سیاه منتقل یافتند. گروههای شکار کاملاً با یکدیگر هماهنگ عمل می کردند و هر کسی را که در منطقه می دیدند دستگیر می کردند. در مراکز و مناطق سیاه بازجویی توأم با کتک بلافاصله شروع شد. دستگیر شدگان ابتدا به اتهام مزاحمت ناموسی زیر رگبار مشت و لگد قرار گرفتند اما بزودی نوع اتهامات تغییر کرد و معلوم شد که اینها بهانه ای بیش نیست و تأجراً چیز دیگری است. اوباش رژیم با نوک پوتین به ساق پای دستگیر شدگان می کوبیدند، آنها را کلاغ بر می بردند و مدام تکرار می کردند: توده ای های سیڑزه آبانی، خیال می کنید ما شما را نمی شناسیم؟ شماها را مدتها تعقیب کرده ایم، زود بگویید ببینیم چه کسی در محل با شما تماس دارد؟ بدستور چه کسانی روی کیوسکهای تلفن شعار می نویسند؟

از دستگیر شدگان توضیح می خواستند که در روز تظاهرات و در ساعاتی که مردم فریاد مرگ بر رژیم سر داده بودند، کجا بوده اند و چه می کرده اند؟ تعدادی از دستگیر شدگان روی کاغذهایی که در اختیارشان گذاشته شده بود چیزهایی می نوشتند، اما عده زیادی حتی سواد نوشتن نداشتند. شب اینگونه به صبح رسید و شکنجه و بازجویی همچنان ادامه یافت. اوباش و شکنجه گران که شب را خوابیده بودند جایشان را با عده دیگری عوض کردند و ضرب و شتم مردم بی پناه که نه شام خورده بودند و نه صبحانه، با قوت بیشتری ادامه یافت. عده ای از حال رفته بودند.

نزدیک ظهر چند ریشو آمدند و سلوال کردند؛ کی گرسنه است؟ همه اظهار گرسنگی کردند. آنوقت ریشوها گفتند هرکس ساندویچ می خواهد ۲۵ تومان بدهد. ساندویچ ۲۵ تومان؟ همه از تعجب دهانشان باز مانده بود. یک تکه نان با یک برگ کالباس ۲۵ تومان؟ همه به یکدیگر نگاه می کردند و با زبان بی زبانی به هم می گفتند که این بی همه چیزها میخوانند جیبمان را هم بزنند...

در میان جمع ما مرد ۲۰ الی ۲۵ ساله ای بیش از دیگران شکنجه شد و سرانجام نیز وقتی ما آزاد شدیم در جمع ما نبود. این مرد با مقداری کالباس و نان در خیابان دستگیر شده بود و مدافعین اسلام فقهاتی بی وقفه با مشت بر سر و صورتش می کوبیدند و می پرسیدند این غذاها را به کدام خانه تیمی می بردی؟ مرد بی پناه بارها و بارها آدرس خانه اش را می داد و از آنها می خواست تا همراه یکدیگر به خانه اش بروند و ببینند که زن و بچه اش منتظر بازگشت او با کالباس و نان هستند، اما کسی به حرفش گوش نمی داد. آنها خانه تیمی می خواستند. تصور می کردند تظاهرات را خانه تیمی کرده است؟!

من و چند نفر دیگر سرانجام پس از ۴۸ ساعت با سرو صورت زخمی و کبود و شکم گرسنه آزاد شدیم. اما از سرنوشت بقیه خبری نداریم. قبل از آزادی، شاهد بودیم که با تلفن و بی سیم نوعی هماهنگی با مناطق دیگر سیاه صورت می گرفت، تا دستگیر شدگان را به محل دیگری منتقل کنند. وقتی به خانه بازگشتیم گفتند که حدود ۲ هزار نفر در عرض چند ساعت دستگیر شده اند. رژیم خود اعتراف به دستگیری ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر کرده است و معلوم نیست چه بلایی سر آنها آورده است.

درگیری مردم و اوباش

عواجل رژیم، هر روز در خیابانهای تهران مزاحم زنان و مردان می شوند. دختران را بعلت باصطلاح بد حجابی و پسران را به علت بلندی مو و یا پوشیدن لباسهایی که مورد پسند آنها نیست مورد آزار قرار می دهند. هر روز در میدان ولی عصر عده ای را می خوابانند و در حالیکه برگردن آنها می نشینند موی سرشان را کوتاه می کنند. بین موتورسواران، که اغلب آنها ماموران کمیته ها هستند و لباس شخصی می پوشند، و مردم همیشه برخورد وجود دارد. به گفته یکی از پرستاران، هر روز چند نفر از اوباشان زخمی برای معالجه به بیمارستان اعزام می شوند. موتورسواران بطور جمعی شعار "جنگ، جنگ، تایپروزی" می دهند و مردم بطور موضعی با آنها به مقابله بر می خیزند. گاهگاه شعار "مرگ بر خمینی" چاشنی تظاهرات مردم است.

مردم در جستجوی محل امن

پس از بسیاری از خیابانهای تهران، بخش مهمی از مردم تهران را ترک گفته و در حومه و شهرهای اطراف اتراق کرده اند. نرخ کرایه اتاق در خارج از شهر باور نکردنی است. مردم در جستجوی محل امن حتی طویله ستوران را در خارج از شهر اجاره می کنند. در جاده های خارج از تهران، مثل جاده دماوند، روده من، لشکرک، اوشان و فشم، چالوس و شمال جای سوزن انداختن نیست. مردم صلح و آرامش می خواهند و با سیاست ادامه جنگ بشدت مخالفند. بیشتر مدارس، بخصوص در جنوب تهران به حالت تعطیل یا نیمه تعطیل در آمده است.

وحدتی که خمینی هوادار آنست

از صفحه ۱

مسته اصلی این تبهکاران را "ائمه جمعه و جماعات" و "علمای بلاد"، "نمایندگان امام"، سردسته های حوزه های به اصطلاح علمی، سرکردگان کمیته ها و سپاه، نمایندگان مجلس اسلامی، شورای نگهبان، شورای عالی قضایی و نظایر آنها تشکیل می دهند. این گروهها که طی شش سال اخیر بدتر از هر ارتش اشغالگری به هموطنان ستم کرده اند و دار و ندارشان را بشارت برده اند، اکنون باید به حکم "امام امت" وحدت کنند و "اسلام عزیز" خود را نجات دهند. و گرنه، لشکر کفر خواهد رسید و دمار از روزگار آنها در خواهد آورد. خمینی ندا می دهد: "بترسید از آن روز!"

در قبال این "وحدت طلبی" خمینی چه کار باید کرد؟

وحدت مورد علاقه خمینی را باید با وحدت ستمدیدگان، زجر کشیدگان، با وحدت خانواده های عزیز از دست داده و تازیانه خورده، با وحدت همه آنها که به آزادی، استقلال و ترقی اجتماعی ایران عشق می ورزند، با وحدت تمام دوستداران سنن ملی، فرهنگ، زبان و ادبیات ایران، با وحدت تمام دوستداران صلح، امنیت و همزیستی مقابله کرد. باید در برابر جبهه ای که خمینی بوجود آورده است، یعنی جبهه ارتجاع، استبداد و تاریک اندیشی، جبهه آزادی، استقلال، ترقی و عدالت اجتماعی را بوجود آورد. جبهه خمینی، جبهه بازندگان تاریخ است. کامیابی های کوتاه مدت و اتفاقی، در تاریخ ملاک نیستند. اینها حبابهایی هستند که گهگاه بر اقیانوس تاریخ ظاهر میشوند و بزودی ناپدید می گردند. نباید به این حبابها پربها داد و نباید برای آنها قانوننندی قائل شد. بالعکس باید در هستی آنها نیستیشان را دید و بر این اساس و از این جستن گاه با آنها به نبرد پرداخت.

"ائمه جمعه و جماعات و علمای بلاد" را باید از سیاست دور کرد. اداره امور کشور، برپایه قوانین لایتنیجری ممکن نیست. "ائمه جمعه و جماعات و علمای بلاد" (غیر از آنها که بعلت ارتکاب جرائم و جنایات باید محاکمه و مجازات شوند) مانند سایر افراد کشور، دارای حقوق و وظایفی هستند، که مکلف به رعایت آنند. آنها میتوانند در حدود قوانین به تمام مقامات و مسئولیت های دولتی دست یابند. تنها حقی که از آنها سلب می شود، حق انحصار طلبی و حق انشاء قوانین اجتماعی، برپایه قوانین غیر قابل تغییر و ماوراء الطبیعه است.

این آن چیزی است که مردم ایران هرگز نخواهند پذیرفت.

به سرکوب خلق کرد باید پایان داده شود!

در کارزار همبستگی جهانی با خلق ترکیه به خاطر پایان بخشیدن به ترور و سرکوب شرکت کنیم!

موج ترور و سرکوب خلق و نیروهای آزادیخواه و صلحدوست در ترکیه اوج تازه‌ای به خود گرفته است. در سالهای اخیر، کودتاگران آمریکایی به رهبری کنعان اورن از هیچ جنایتی در حق خلق ترکیه کوتاهی نکرده‌اند. بهترین فرزندان خلق را به بند کشیده‌اند، آنها را در سیاهچالهای دوزخی به زیر شکنجه‌های وحشیانه انداخته‌اند و با برپایی پیدادگاههای پر شمار، گروه گروه میهنپرستان و آزادیخواهان را یا راهی میدان‌های اعدام و یا به زندان‌های درازمدت محکوم کرده‌اند.

در این ارتباط میتوان به برگزاری باصطلاح "دادگاه عمده حزب کمونیست ترکیه" که در ماه مارس برگزار شد، اشاره کرد. دادگاه احکام محکومیت‌های سنگینی تا ۱۷ سال زندان برای ۲۲۸ تن از متهمان صادر کرد. شایان توجه است که از جمع متهمان از جمله ۱۷۸ تن به زندانهای ۱۰-۵ سال و ۲۰ تن به بیش از ۱۰ سال محکوم شدند. از زمان بر سرکار آمدن حکومت کودتا، بیش از ۱۵ "دادگاه حزب کمونیست ترکیه" سرهم بندی شده است. تنها نتیجه برگزاری ۹ دادگاه عبارت از ۵۰۰ مورد محکومیت بوده است. از این تعداد ۶۰ تن به بیش از ۱۰ سال محکوم گردیده‌اند. افزون بر آن، بیش از ۲۰۰۰ تن بعنوان "مظنون به کمونیست بودن" در جریان یورش‌های پیاپی، تحت رهبری خونتای دست‌نشانده آمریکا، دستگیر شده‌اند. بازداشت‌شدگان تحت شکنجه‌های مرکب‌وار و وحشیانه قرار گرفته‌اند. تاکنون تعدادی از آنها، از جمله شماری از کارگران

برجسته حزبی و رفیق دنیز، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه، در زیر شکنجه جان باختند.

متهمان، در دادگاههای فرمایشی، با شهادت انقلابی، از امر خلق، امر مبارزه بخاطر کار، فدا، آزادی و آینده سعادت‌تبار و امر پیکار در راه دستیابی به استقلال ترکیه و گسستن زنجیرهای وابستگی به امپریالیسم آمریکا، به دفاع پرداختند. دفاع پرشور و درخشان متهمان، نقشه‌های توطئه گرانگه کودتاچیان را نقش بر آب کرد. ابتدا از سوی رژیم این اتهام و ادعای پوچ عنوان و تبلیغ می‌گردید که کمونیست‌ها، "تروریست" و "جاسوس" هستند، ولی در جریان برگزاری دادگاهها، بخاطر نبود کوچکترین دلیل محکمه‌پسند، هیچ‌ذکری از این اتهامات ساختگی به میان نیامد. از این رو احکام محکومیت صرفاً بر پایه اتهامات عضویت در حزب کمونیست ترکیه صادر شد.

ترور فاشیستی نه تنها کمونیست‌ها، بلکه همه دمکراتها و مبارزان راه صلح و فعالان سندیکایی را هم هدف گرفته است. دامنه سرکوب و تبهکاری تا آن اندازه گسترده است که حتی سخنگویان رسمی خونتای نظامی سرسپرده آمریکا اعتراف می‌کنند که در ترکیه بیش از ۲۰۰۰۰ زندانی سیاسی وجود دارد، شکنجه اعمال می‌شود و ۵۲ تن زیر شکنجه کشته شده‌اند.

از زمان وقوع کودتای نظامی تاکنون، ۲۹ زندانی راهی میدانهای اعدام گردیده‌اند، ۱۰۸ تن در جریان درگیری‌های خیابانی کشته شده‌اند

فعالیت رزمجویانه ...

بقیه از صفحه ۲

کرد. در اسفند ماه ۱۳۷۷ (۲۰ ماه مارس ۱۹۱۹) این حزب پیام تبریک خود به کنگره موسسان انترناسیونال سوم کمونیستی (کمیترن) که به ابتکار و رهبری لنین در مسکو تشکیل شده بود، ارسال داشت.

تمام واقعیت‌ها و اسناد انکارناپذیر تاریخی نشانگر آن است که بر خلاف آنچه دشمنان راست و "چپ" جنبش کمونیستی و کارگری ایران ادعا کرده و می‌کنند، این جنبش و حزب، نه به دستور کمیترن، بلکه در متن واقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی کشور ما، بر اساس ضروریات رشد تاریخی آن تکوین یافت، رشد پیدا کرده و شکل گرفت. لنین بزرگ همواره با انقلابیون و سوسیال دمکراتهای دیگر کشورها از جمله کشورهای خاور (مانند حیدر عمو اوغلی و سلطان‌زاده از ایران و مصطفی صبحی از ترکیه و دیگران) از نزدیک در تماس بوده با آنها مشورت و تبادل نظر می‌پرداخت و نسبت به آنها از هیچ

و همچنان برگزاری دادگاهها ادامه دارد. اینک، دادستانی ترکیه برای ۵۰۰۰ تن دیگر تقاضای مجازات مرگ کرده است. همچنین برای ۵۲ تن از رهبران فدراسیون سندیکایی نیرومند "دیسک" درخواست اعدام شده است. بدین ترتیب، از نظر جزایی، دو هزار تن از دست‌اندر کاران سندیکایی که در حال حاضر در پشت میله‌های زندان بسر می‌برند، در مظان اتهامات دادستان قرار دارند.

در اوضاع و احوال کنونی، که موج تازه‌ای از ترور و اضطراب ترکیه را فرا گرفته است، همه احزاب و سازمانها و نیروهای مترقی و انقلابی باید با بهره‌جویی از همه اشکال و امکانات رزمجویانه، در کارزار جهانی همبستگی با خلق ترکیه شرکت کنند. اعضا و هواداران حزب توده ایران نیز بنوبه خود وظیفه دارند، باتکیه بر سنن برادرانه انترناسیونالیستی و دفاع بیگیرانه از آزادی و استقلال خلقها، مستقلاً و یا با همکاری دیگر نیروهای مترقی و آزادیخواه به اعتراض وسیع علیه تبهکاری‌های رژیم آمریکایی ترکیه دست بزنند. رفقا، بویژه با افشای سیاست ضد مردمی و سرکوبگرانه کودتاچیان، بجاست با ارسال نامه‌های اعتراضی به سفارتخانه‌های ترکیه در سراسر جهان صدای اعتراض خود را به گوش سردمداران این کشور برسانند و خواستار پایان بخشیدن به این بساط خون و شکنجه و سرکوب خلق ترکیه شوند.

خارجی و ضد انقلاب داخلی قربانیان پرشماری داد و به کامیابی‌های بزرگی دست یافت. حزب "عدالت" با تمام توان به کارگران و بطور کلی انقلابیون یاری می‌رساند. حزب "عدالت" بارها سازمان دهندگان ورزیده و کادرهای فداکار خود را گروه گروه به ایران فرستاد و موفق شد سازمانهای حزب را در شهرهای گوناگون ایران بوجود آورد. رهبری و شعبه تشکیلات حزب، تقویت کمی و کیفی فعالیت سازمانی و گسترش دامنه مبارزات سیاسی در داخل کشور را در صدر وظایف خود قرار داده بود.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بعنوان سر آغاز نوین تاریخ مناسبات جامعه انسانی، به ایدئولوژی دوران ساز مارکسیسم - لنینیسم، کمونیستها و احزاب کمونیست ارج و اعتبار ویژه‌ای بخشید. در پی انقلاب اکتبر، احزاب کمونیست فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و دیگر کشورهای اروپا بکی پس از دیگری، شالوده ریزی شدند. حزب کمونیست ایران نیز پس از انقلاب اکتبر تشکیل گردید. (ادامه دارد)

یاری‌فکری و سازمانی درخ نی ورزید. این انترناسیونالیسم پرولتری که از مشخصات عمده جنبش کارگری و کمونیستی است و به عنوان عامل بسیار مهم نیرومندی این جنبش بشمار می‌رود، همواره در معرض حمله بدخواهان و دشمنان طبقه کارگر و زحمتکش قرار گرفته و می‌گیرد. حزب "عدالت" همیشه با انقلابیون کشور در تماس بوده است و اعضای آن از ایران به باکو و از باکو به ایران رفت و آمد داشتند. در سال ۱۳۷۷ (۱۹۱۸) غفارزاده در راس یک هیئت ۱۸ نفره، برای بی اثر ساختن توطئه تجاوز امپریالیسم انگلیس به گیلان و باکو، راهی گیلان شد. او به توصیه حزب به دیدار رهبران جنبش جنگل شتافت تا نیروی آنها را به رویارویی با تجاوز انگلیس فراخواند. ولی در پی اجرای توطئه خائسانه محافل واپسگرا در رشت به شهادت رسید. پس از شهادت غفارزاده، ساختار سازمانی حزب "عدالت" بارها دستخوش دگرگونی گردید. در سال ۱۳۷۸ دیگر بار روزنامه "حریت" به سردبیری سید جعفر جواد زاده (پیشه‌وری) انتشار خود را آغاز کرد. حزب "عدالت" در دوران فعالیت چهارساله خود در راه پیکار علیه اشغالگران

پیکار مستمر در راه وحدت عمل کلیه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی یک وظیفه انقلابی است!

نخستین دور گفتگوها در زوجه چیزی را نشان داد

سی ام ماه مه دور دوم گفتگوها میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا در ژنو، آغاز شد. روزنامه پراودا در شماره ۲۷ ماه مه خود تفسیری درباره نتایج نخستین دور گفتگوها منتشر کرد که اینک خلاصه آنرا میخوانید:

"وضع جهان همچنان بفرنج، حتی خطرناک است. راز نیست که اوضاع از زمانی که دولت رونالد ریگان بر سر کار آمد بدینگونه شد. یعنی این پیامد سیاست کنونی واشنگتن است. پس از اینکه قرار داد سال ۲ را توشیح نکردند، سرگرم برهم زدن روند محدود کردن و کاهش تسلیحات، خرابکاری در موافقت نامه هایی که پیشتر امضاء شده بود، تدوین برنامه های نوین جنگی و استقرار موشکهای خود در اروپا بمنظور وارد آوردن ضربه نخستین شدند و سپس عمدا مذاکرات در مورد جنگ افزارهای استراتژیکی و سلاحهای هسته ای در اروپا به بن بست و شکست کشاندند. پایان نمونه وار این دشمنی با صلح و منافع خلقها از سوی واشنگتن اعلام برنامه "جنگ ستارگان" بود که نه تنها میبایست محدود کردن و کاهش سلاحهای هسته ای را غیرممکن کند، بلکه به مسابقه تسلیحاتی ابعاد کبلیتا نوینی بدهد و اندیشه ثبات، برابری و امنیت یکسان را از ریشه بزند.

مذاکرات کنونی ژنو به ابتکار اتحاد شوروی آغاز شد. این گفتگوهای نوینی است که از نظر دایره مسائلی که در بر می گیرد - جنگ افزارهای ضربتی کیهانی، سلاحهای استراتژیکی تهاجمی و وسایل هسته ای با برد متوسط - وضع استراتژیکی معاصر را کاملا در نظر دارد و پیوند ارگانیک میان سه مسئله یاد شده را منعکس می کند.

کاملا آشکار است که اگر آمریکا جنگ افزارهای ضربتی کیهانی را بدست آورد، تعادل استراتژیکی موجود میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا را بر هم می زند. پیامد آن، افزایش کمی و تکامل کیفی تسلیحات تهاجمی هسته ای و همچنین تشدید مسابقه تسلیحاتی در همه عرصه ها خواهد بود. همچنین روشن است که مقیاس کاهش جنگ افزارهای استراتژیکی را بدون در نظر گرفتن موشکهای "پرشینگ - ۲" و بالدر آمریکایی در اروپای غربی نمی توان معین کرد. چرا که برای کشورهای عضو پیمان ورشو، اینها در واقع سلاحهای استراتژیکی هستند.

این وابستگی متقابل عینی مسائل، در اعلامیه مشترک اتحاد شوروی و ایالات متحده که هشتم ژانویه سال جاری در ژنو منتشر شد بازتاب یافته است.

نخستین دور گفتگوها چه نشان می دهد؟ نتایج آنرا نمی توان راضی کننده دانست. البته هیچکس انتظار نداشته است که در ظرف یکماه و نیمی که دور گفتگوها جریان یافت امکان حل

مجموعه مسائل بفرنج جنگ افزارهای هسته ای و کیهانی پیدا شود.

اما دست کم میشد انتظار داشت که دو طرف برای اتخاذ تصمیم های عملی، موافق روح قرارداد ماه ژانویه در ژنو، اعلام آمادگی کنند.

اتحاد شوروی نه تنها این آمادگی را نشان داد بلکه با پیشنهادهای مشخص در همه زمینه ها، از موافقت نامه پشتیبانی نمود. اما در موضع ایالات متحده عنصر سازندگی وجود نداشت و عملا مغایر روح موافقت نامه ماه ژانویه در مورد هدفها و موضوع گفتگوها بود.

میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا موافقت نامه ای در مورد اتخاذ تصمیم برای پیشگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی وجود دارد. "پیشگیری کردن" یعنی اجازه ندادن و در نطفه جلوی آنرا گرفتن. نه در زبان روسی و نه در زبان انگلیسی این، مفهوم دیگری نمی تواند داشته باشد. اما طرف آمریکایی به این مسئله مرکزی گفتگوها چگونه برخورد نمود؟

به نحوی که گویی فراموش کرده با چه چیزی روی موافقت نشان داده است. هم در مجامع و هم در گفتگوها، نمایندگان آمریکا اعلام می کنند که دولت آمریکا قصد دارد در حال برنامه های خود را برای "جنگ ستارگان" یعنی برنامه ایجاد جنگ افزارهای ضربتی کیهانی را پیاده کند.

محتوای کار کاملا روشن است: این خرابکاری علنی در بررسی و تصمیم گیری پیرامون مسئله پیشگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی و کوشش برای تحمیل و قانونی ساختن برنامه واشنگتن برای نظامی کردن سریع فضای کیهانی به هر وسیله است.

رعایت قرارداد دفاع ضد موشکی که در سال ۱۹۷۲ منعقد گردیده با انجام کارهای مقدماتی برای ایجاد سلاحهایی که در قرارداد ممنوع شده مغایرت دارد. ضمنا صحبت بهیچوجه درباره کارهای علمی - تحقیقاتی نیست. اعمال دولت واشنگتن از نظر محتوای خود غیر قانونی است. و اینکه واشنگتن به دولتهای دیگر برای شرکت در آن فشار می آورد، آنرا قانونی تر و شرافتمندانه تر نمی کند. آنکس که در این زمینه با واشنگتن همصدا شود یا مسئولیت سنگینی را بر دوش خود می گذارد.

مشی دولت ایالات متحده آمریکا مبنی بر میلیتاریزه کردن فضای کیهانی و استقرار سلاحهای ضربتی در آنجا با بشر دوستی و اخلاق انسانی متضاد است. این تنها میتواند خطر انفجار جنگ هسته ای را افزایش دهد نه اینکه آنرا بر طرف سازد. آمریکا آگاهانه بشریت را بسوی یک دور فرساینده مسابقه تازه تسلیحاتی و مصرف بی معنی منابع عظیم مادی و معنوی میراند.

در گفتگوهای ژنو آمریکایی ها، تنها به تکرار پیشنهادهای کهنه شده خود از سالهای ۱۹۸۲ - ۱۹۸۱ بسنده می کنند: راه حل "صفر" که هدفش خلع سلاح یک جانبه اتحاد شوروی است و یا راه حل فرسوده "میانی" که در تعادل نیروها در اروپا، موشکهای میانبرد انگلستان و فرانسه را در نظر نمی گیرد و نیروی هوایی آمریکا را که در ناوهای هواپیما بر مستقر است از محدودیت آزاد می سازد.

مشی غیر سازنده آمریکا، که نه بسوی قطع بلکه تسریع مسابقه تسلیحاتی متوجه است بویژه در ارتباط با پیشنهاد موراتوریوم اتحاد شوروی نمایان شد. اتحاد شوروی پیشنهاد کرد که در تمام مدت گفتگوها سلاحهای تهاجمی کیهانی و وسایل هسته ای - جنگ افزارهای استراتژیکی و موشکهای میانبرد در اروپا در وضع موجود منجمد شود. اما واشنگتن با آن مخالفت نمود.

این آشکارا نشان می دهد که کدامیک از طرفین با سخن گفتن از آمادگی برای خلع سلاح، تنها میخواهد تدارکات نظامی خود را پرده پوشی کند و کدامیک نه در حرف بلکه در عمل بسوی قطع مسابقه تسلیحاتی و دستیابی به موافقت نامه سازنده گرایش دارد.

اینک که دور دوم گفتگوها آغاز شده، اگر به اظهارات علنی نمایندگان عالی رتبه واشنگتن توجه شود، معلوم می گردد که آنان قصد دادن هیچ تغییری مثبتی در مشی خود ندارند. برعکس صحبت از تسریع در ساختن وسایل ضربتی کیهانی می کنند.

این موضعگیری شادتمایل سرخستانه محافل معینی در واشنگتن به آنست که در آینده نیز از تحقق موافقت نامه ماه ژانویه در مورد هدفها و موضوع گفتگوها ممانعت کنند. اما جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی و قطع آن در روی زمین چینه دیگری را می طلبد. ایالات متحده باید قاطعانه در مواضع خود تجدید نظر کند و مشی سازنده و کاربردی در پیش گیرد.

ما امیدواریم که طرف گفتگوی ما به صدای خلقها که صلح و قطع مسابقه تسلیحاتی را می خواهند گوش فرا دهد. امیدواریم که عمل سالم، واقع بینی سیاسی و احساس مسئولیت درباره آینده صلح آمیز قلبه کند. ما به استعداد خلقها در دفاع از حق زندگی باور داریم."

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH
MARDOM
No 53

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

JUNE, 6 / 1985

ملت ایران در برابر رژیم خمینی به زانو در نخواهد آمد